

کار کرد حکومت در ترازوی قضاوت مردم

رضا رحما

بیش از یک سال می شود که میلیون ها شهروند با تحمل سختی ها و به جان خریدن تمام خطرها و تهدیدهای مخالفین مسلح، به پای صندوق های رای رفتند تا با انتخاب رئیس جمهور جدید، صفحه ای تازه و روزنه ی روشن را برای آینده سیاسی کشور بکشایند. سال گذشته، در شرایطی که مردم از ناکارآمدی حکومت کزری خسته شده و به جان آمده بودند، بسیاری از رای دهندگان گمان می کردند که با شرکت در انتخابات حکومتی، مسئول و کارآمد را با استفاده از برگه های رای خود بوجود خواهند آورد؛ مردم امیدوار بودند که در پرتو چنان حکومتی منتخب نه تنها کاستی ها و ناکارآمدی های گذشته جبران خواهد شد بلکه معیشت، زندگی و کاروبار شان نیز بهتر گردیده و رونق خواهد گرفت. در واقع مردم سومین دور انتخابات ریاست جمهوری را نقطه عطف تغییر مثبت در سیاست و زندگی شان تلقی می کردند. یکی از دلایل اساسی حضور میلیون ها رای دهنده به پای صندوق های رای نیز تصور نمودن چنان رویاهایی بود تا شاهد تحقق این رویاهای خویش باشند. البته بدون شک از این که انتخابات در فضای نسبتا امن برگزار شد و برای اولین بار در تاریخ سیاسی کشور، قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز و بدون جنگ و خشونت انتقال یافت، سومین دور انتخاب ریاست جمهوری از ویژگی مثبت و قابل قبولی برخوردار بود. در این روز مردم ما نشان دادند که قواعد و هنجارهای بازی دموکراتیک را پذیرفته اند و برای عبور از وضعیت بحرانی و رکود و شرایط خسته کننده ناکارآمدی برای ایجاد یک حکومت مسئول و پاسخگو و خدمت گزار با تمام توان و پذیرفتن همه خطرها و تهدیدها در میدان حاضر هستند. یک نگرش واقع بینانه مردم ما از سویی حق داشتند که چنان شجاعت و ریسک جدی را استقبال نمایند و دست به انتخاب بزنند. چون انتخاب دموکراتیک و برگزاری

بیش از یک سال می شود که میلیون ها شهروند با تحمل سختی ها و به جان خریدن تمام خطرها و تهدیدهای مخالفین مسلح، به پای صندوق های رای رفتند تا با انتخاب رئیس جمهور جدید، صفحه ای تازه و روزنه ی روشن را برای آینده سیاسی کشور بکشایند. سال گذشته، در شرایطی که مردم از ناکارآمدی حکومت کزری خسته شده و به جان آمده بودند، بسیاری از رای دهندگان گمان می کردند که با شرکت در انتخابات حکومتی، مسئول و کارآمد را با استفاده از برگه های رای خود بوجود خواهند آورد؛ مردم امیدوار بودند که در پرتو چنان حکومتی منتخب نه تنها کاستی ها و ناکارآمدی های گذشته جبران خواهد شد بلکه معیشت، زندگی و کاروبار شان نیز بهتر گردیده و رونق خواهد گرفت. در واقع مردم سومین دور انتخابات ریاست جمهوری را نقطه عطف تغییر مثبت در سیاست و زندگی شان تلقی می کردند. یکی از دلایل اساسی حضور میلیون ها رای دهنده به پای صندوق های رای نیز تصور نمودن چنان رویاهایی بود تا شاهد تحقق این رویاهای خویش باشند. البته بدون شک از این که انتخابات در فضای نسبتا امن برگزار شد و برای اولین بار در تاریخ سیاسی کشور، قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز و بدون جنگ و خشونت انتقال یافت، سومین دور انتخاب ریاست جمهوری از ویژگی مثبت و قابل قبولی برخوردار بود. در این روز مردم ما نشان دادند که قواعد و هنجارهای بازی دموکراتیک را پذیرفته اند و برای عبور از وضعیت بحرانی و رکود و شرایط خسته کننده ناکارآمدی برای ایجاد یک حکومت مسئول و پاسخگو و خدمت گزار با تمام توان و پذیرفتن همه خطرها و تهدیدها در میدان حاضر هستند. یک نگرش واقع بینانه مردم ما از سویی حق داشتند که چنان شجاعت و ریسک جدی را استقبال نمایند و دست به انتخاب بزنند. چون انتخاب دموکراتیک و برگزاری

سرمقاله ضرورت عاجلتر اصلاح نظام انتخاباتی

حفیظ الله زکی

انتخابات یکی از ارزش های مهم نظام دموکراسی بوده و بدون انتخابات دموکراسی در کشور معنا و مفهوم پیدا نمی کند. انتخابات است که دموکراسی را در یک کشور تمثیل می کند. هر انتخاباتی البته نمی تواند تمثیل کننده دموکراسی در یک کشور باشد. تعدادی از کشورها انتخابات دارند؛ اما این انتخابات نشانه دموکراسی در آن کشورها نیست؛ بلکه این انتخابات اغلب به منظور توجیه نظام فرسوده و استبدادی موجود راه اندازی می شود که نتیجه آن به اسارت نگهداشتن بیشتر شهروندان در سایه نظام های دیکتاتوری و توتالیتر می باشد. انتخابات زمانی ارزش دارد که اولاً؛ انتخابات به وقت و زمان خودش برگزار شود. ثانیاً به صورت عادلانه، شفاف و مطابق قوانین رسمی کشور برگزار گردد. افغانستان کشوری است که همواره شهروندان از تسلط نظامهای سیاسی مستبد و ظالمانه رنج برده است. دموکراسی در افغانستان به معنای واقعی کلمه حتما همین اکنون نیز جایگاه خودش را پیدا نکرده است. البته در اثر فشارهای داخلی که گاهی حکومت ها از دموکراسی و آزادی سخن گفته اند و یا آنها را در متن قوانین آورده اند؛ اما این مفاهیم و واژه ها سال ها در همان متن اسیر مانده و فرصت تطبیق برای شان داده نشده اند. دموکراسی و انتخابات فقط در حد یک شعار و یک فریاد نمایشی مورد ستایش قرار گرفته است و بس.

از اینرو گرچند ما همواره شعار دموکراسی و انتخابات سر داده ایم، ولی این شعارها جز این که ریشه های استبداد را تقویت کرده و نادانی مردم را دوام بخشیده، دستاورد دیگری برای ما نداشته است. در این گونه انتخابات تنها کسانیه شانس پیروزی پیدا می کردند که حکومت از آنها حمایت می کرد. رأی و خواسته مردم کمترین تأثیری در نتایج انتخابات نداشت. طبیعی است که انتخابات این چنینی نشانه ثبوت نظام دموکراتیک در افغانستان و یا در هر جای دیگر بوده نمی تواند.

اصل مسلم و آشکار ناپذیر در انتخابات، آزادی شهروندان در انتخابات است. یعنی شهروندان با رضا و رغبت بتوانند کس و یا کسانیه را که شایسته می دانند، برگزینند و اگراه و اجباری آشکار و پنهانی در کار نباشد. زیرا اگر اگراه و اجبار پایش به میان آید، دیگر انتخابات معنایش را از دست می دهد. اصل آزادی در خود مفهوم انتخابات نیفتاده است.

مسئله دیگر این است که روند انتخابات شفاف باشد. یعنی آرایه را که شهروندان در روز انتخابات به صندوق ها می ریزند، با نتایج برآمده از صندوق ها همسان باشد. هرگونه تغییر در رأی و یا کم و زیاد شدن آراء بیانگر وقوع تقلب در انتخابات می باشد. تقلب یکی از عناصر باطل کننده انتخابات به شمار می رود. عنصری که می تواند کل روند انتخابات را بی اعتبار سازد.

در انتخابات سال گذشته یکی از اشکالاتی که وجود داشت همین بود که نتایج برآمده از درون صندوق ها با آرایه که شهروندان در روز انتخابات به صندوق ها ریخته بودند، مطابقت نداشت. به همین دلیل انتخابات افغانستان به بدنام ترین انتخابات دنیا مبدل شد و برنده انتخابات برنده و بازنده آن بازنده شناخته نشد. حکومت وحدت ملی با ترکیب مسؤلیانه از دو تیم انتخاباتی، نه بر مبنای انتخابات که براساس یک توافقنامه سیاسی میان دو تیم، شکل گرفت.

به همین خاطر پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته بحث اصلاحات در نظام انتخاباتی به یک موضوع مهم ملی تبدیل شد. همه بر این باور رسیدند که بر پایه این قوانین و این ساختار نمی شود سلامت، شفافیت و عدالت را در انتخابات آینده تضمین نمود. اصلاح نظام انتخاباتی جزو موارد مهم موافقت نامه سیاسی نیز به شمار می رود.

در آنجا هر دو تیم تأکید کرده است که برای انجام انتخابات شفاف و عادلانه باید پیش از آن، اصلاحات اساسی و لازم در نظام انتخاباتی به وجود بیاید.

اما اکنون که دوره قانونی پارلمان عنقریب به پایان می رسد، ولی حکومت در ارتباط به نحوه اصلاحات در نظام انتخاباتی به توافق نرسیده اند. این امر به اعتبار دموکراسی در کشور لطمه وارد کرده و اراده واقعی حکومت برای آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی را زیر سوال برده است.



اقتصاد مردم در پی بن بست های انتخاباتی و نبود حکومتداری خوب صدمه های جدی دیده است، وضعیتیتی تاسفبار که نه تنها تا هنوز ترمیم نشده است بلکه روز بروز هم وخیم تر شده می رود. در شرایط کنونی هم اکنون صدها میلیون دالر از سرمایه گذاری های خارجی و داخلی به خاطر بن بست های انتخاباتی و نگرانی از آینده ی سیاسی از کشور خارج شدند و صنعت کاران و تاجران، دست از کار و فعالیت کشیده اند. نگران کننده تر از همه این که آسیبی که به اعتماد مردم درباره انتخابات و صیانت از آراء شان بوجود آمده است شاید به دشواری قابل ترمیم باشد. دیوار عدم اعتماد میان مردم و مسئولین به بلندای آسمان کشیده شده است. در شرایط کنونی نیز نهادهای انتخاباتی افغانستان به خاطر رسوایی های انتخاباتی و تقلب گسترده، هم چنان بی اعتبار مانده و چالش آوردن اصلاحات در قوانین و

در مقابل رهبران جدید نیز پس از یک سال از انتخابات ریاست جمهوری، هیچ پاسخی برای مردم ندارد. آن ها در برابر مردم سرشکسته و محکوم هستند شاید چنین انتخاباتی و چنین حکومتی در تاریخ سیاسی کشور ها و ملت ها کم سابقه باشد.

جنگ در نظام بین الملل

محمد دانشگر

متوسل شده اند. از این رو لازمه جنگ در چارچوب حقوقی بین الملل، کشورهایی است که برای پوشش به اهداف ملی خویش از راه غیر دیپلماتیک کار می گیرند. هدافداري نیز به این معنی است که کشور آغازگر جنگ، مصالح ملی و منافع کشوری خویش را در گرو جنگ دانسته و الزامات و صدمات ناشی از جنگ را نیز پذیرفته است. هرچنگی



شکست کشور حمله کننده در این جنگ زیاد باشد. از سوی دیگر با پیشرفت های علمی و صنعتی، از سویی اثرات مخرب جنگ با به کارگیری تسلیحات سنگین و پیشرفته افزایش یافته است و از سوی دیگر نظریاتی مطرح است معطوف به ماهیت جنگ زدای صنعت و به ویژه توسعه اقتصادی کشورها. جنگ در کشورهای فقیر و میان کشورهای فقیر به مراتب بیشتر از آن چیزی است که میان کشورهای توسعه یافته اتفاق می افتد. نتیجه این سخن این است که رشد و توسعه اقتصادی در فروکاستن از توسل به جنگ در پی گیری اهداف بسیار رایج و طبیعی است. افغانستان نیز یکی از کشورهای است که بیشترین خسارات را از جنگ داخلی دیده است. به رغم این که بخش وسیع از جنگ های این کشور در دوران معاصر، به استثنای جنگ با روسها، از نوع جنگ های داخلی بوده است. اما با این وجود پیامدهای بین المللی آن نیز نمی توان از نظر دوره داشت. حضور نیروهای بین المللی برای تأمین امنیت و جنگ زدایی در این کشور، نشان از تبعات و عواقب بین المللی بحران افغانستان می باشد.

حضور نیروهای بین المللی در جنگ با توریسم را تبیین خواهیم کرد. این گفته واقع گرایان هنوز در مورد محیط بین الملل صادق است که محیط بین الملل یک محیط انارشیک است. در محیط انارشیک هیچ ضابطه مافوق به مثابه آنچه در درون کشورها وجود دارد، ملاحتدی نمی شود. از سوی دیگر نیز نظام حقوقی در سطح کلان و بین المللی آن از توسعه یافتگی زیادی برخوردار نیست، از این رو توسل به زورعرسان و جنگ از استراتژی هایی است که در نظام بین الملل همواره به کار رفته است. هرچند به باور اندیشمندان، رشد و گسترش تکنولوژی به ویژه رشد اقتصادی نوعی رابطه معکوس با اتکا و توسل به جنگ در جوامع بشری دارد و کشورها را به میزان زیادی و امی دارد تا جنگ را به عنوان یک راه حل کنار بگذارد؛ اما با این وجود، توسل کشورها برای تأمین منافع و اهداف ملی خود به قهر یک امر رایج به شمار می رود. به رغم این که جنگ به عنوان یکی از ابزارهای تحقق اهداف ملی به کار می رود، اما به دلیل مصائب ناشی از آن و پیامدهای درازمدت و غیر قابل اجتناب، انسائنها همواره برای جلوگیری از آن تلاش کرده اند و از این رو مفهوم جنگ عادلانه یا جنگ برای عدالت در برابر جنگ نامشروع عرض اندام کرد. نظریه جنگ عادلانه یا جنگ برای عدالت

در واقع امر، نوعی تیوری مذهبی برای محدود کردن وعدم گسترش جنگ است و برای اولین بار شخصی به نام سیپرون آن را در توجیه برخی از جنگ ها با پشتوانه اهداف ملی به کار برد. گروسوس نیز تنها زمانی جنگ را مشروع می دانست که در پاسخ به نوعی بی عدالتی و در جهت رفع خشونت باشد.

در جهان معاصر ژان ژاک روسو، بر خلاف آن چه هابز و نیچه معتقد است، جنگ را طاعون بشر می داند و تأکید دارد که جنگ در فرهنگ مردمی در روابط بین الملل هیچ جایگاهی ندارد و تنها کشورها است که از آن به عنوان ابزاری در خدمت اهداف خود استفاده می کنند. وی در دادن یک جنگ را به هیچ بهایی نمی پذیرد و نفس جنگ را اگرچه باشاعر عادلانه باشد، محکوم کرده و پیامدهای ناعادلانه برای آن متصور است. منتسکیو، اما در نوشته هایش به جنگ عادلانه صحه می گذارد. وی بر این عقیده است که همان گونه که فردی قصد حمله بر فرد دیگر را دارد و فرد مورد حمله قسراً گرفته برای نجات جان خود مجبور است متوسل به کشتن فرد حمله کننده شود، دولت ها نیز در موقع عمل تجاوز آمیز دیگران ملزم اند از خود و حیات شهروندان

جنگ همچون سایر پدیده های انسانی دارای مفهوم و خاستگاه تیوریک مشخص و چند بعدی است. به رغم چهره منفی و مخرب جنگ تلاش ها برای درک ماهیت آن و نگاه ژرفکاوانه، با مبنای تیوریک صورت گرفته است. جنگ از دیدگاه فلسفی متفاوت از آن چیزی است که در نگاه جامعه شناسی مطرح است. همچنین جنگ با ماهیت اقتصادی بسی متفاوت از جنگ با ماهیت سیاسی و نظامی است. آن چه مهم است، تاثیر سوء و پیامدهای ناگواری است که در جنگ ها برای آدم ها بر جای می ماند. شاید این امر تنها وجه مشترک تمامی اندیشه ها و دیدگاه ها در مورد این پدیده باشد جنگ در تاریخ افغانستان سابقه طولانی دارد و از این منظر آثار و نتایج ناگواری بر نسل این سرزمین گذاشته است. در این نوشته، به بررسی جنگ از دیدگاه روابط بین الملل می پردازیم، سپس دریابان، به پیامدهای بین المللی جنگ های داخلی افغانستان پرداخته

کارتون روز



- صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
- مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
- سرمدیر: حفیظ الله زکی
- کارکاتوریست: خالق علی زاده

- دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanstan.com
Email: thedailyafghanstan@yahoo.com

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Voice